

## فهرست مطالب

مقدمه:.....	۱.۱
❖ فصل نخست: صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج.....	۱۵
مقدمه.....	۲۳
مبحث نخست: رسیدگی و الزامات.....	۱۹
گفتار نخست: حقوق مالی زوجه.....	۱۹
الف: مهریه.....	۱۹
ب: نفقه.....	۲۰
۱- نفقه معوقه.....	۲۰
۲- نفقه جاری.....	۲۱
۳- نفقه ایام عده.....	۲۱
جدول انواع طلاق کاربردی.....	۲۲
ج: اجرت المثل.....	۲۳
د: جهیزیه.....	۲۳
ه: شرط تنصیف دارایی.....	۲۳
۱- پیشنیه و متن.....	۲۴
۲- نگارش و تلفظ.....	۲۴
۳- ماهیت و اعتبار.....	۲۴
۴- شرایط اجرای تنصیف دارایی.....	۲۴
۵- اموال مشمول شرط.....	۲۵
۶- نحوه درخواست و اقدام زوجه.....	۲۶
۷- اقدام دادگاه.....	۲۶
۸- اختیارات دادگاه.....	۲۶
۹- شرط تنصیف و مستثنیات دین.....	۲۷
۱۰- شرط تنصیف و اعسار.....	۲۷
۱۱- شرط تنصیف و اجرت المثل/نحله.....	۲۸

- ۱۲- نحوه پرداخت و ضمانت اجرای عدم پرداخت ..... ۲۸
- ۱۳- نقص و پیشنهاد ..... ۲۹
- و: نحله ..... ۲۹
- ۱- شرایط استحقاق نحله چیست؟ ..... ۲۹
- ۲- نحوه درخواست ..... ۳۰
- ۳- نحله و شرط تنصیف دارایی ..... ۳۰
- ۴- نحله و عدم تمکین ..... ۳۰
- ۵- نحله و قصد تبرع ..... ۳۱
- ۶- نحوه تعیین میزان نحله ..... ۳۱
- ۷- ملاک‌های تعیین میزان نحله ..... ۳۱
- ۸- نحوه پرداخت و ضمانت اجرای عدم پرداخت ..... ۳۱
- گفتار دوم: داوری و تعیین تکلیف امور فرزندان ..... ۳۳
- مبحث دوم: اجرا و اعسار ..... ۳۳
- گفتار نخست: دعوای اعسار ..... ۳۴
- الف: مهلت دعوای اعسار ..... ۳۴
- ب: اثر دعوای اعسار بر مهلت سه ماهه دوم: ..... ۳۵
- ج: آن قسمت از حقوق مالی که می‌تواند موضوع دعوای اعسار قرار گیرد. .... ۳۵
- گفتار دوم: فروض عدم همکاری: ..... ۳۸
- الف: عدم همکاری زوج: ..... ۳۸
- ب: عدم همکاری زوجه: ..... ۳۸
- مبحث سوم: نحوه ثبت دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج در سامانه خودکاربری وکلا ..... ۴۰
- نمونه دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج ..... ۷۶
- نمونه دادنامه بدوی گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج ..... ۷۷
- نمونه دادنامه تجدید نظر صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج ..... ۷۸
- نمونه دادنامه دیوان عالی کشور صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج ..... ۷۹
- مبحث چهارم: صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج و چکیده آرای قضایی ..... ۸۱
- مبحث پنجم: صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج و نظریه‌های مشورتی ..... ۸۲
- ❖ فصل دوم: طلاق به درخواست زوجه ..... ۹۳
- مقدمه ..... ۹۴
- مبحث نخست: دادخواست طلاق از جانب زوجه ..... ۹۵
- گفتار نخست: لزوم رعایت ماده ۵۱ ق.آ.د.م. در دادخواست طلاق از جانب زوجه و آثار آن ..... ۹۵

- گفتار دوم: متروک بودن مواد ۱۰۲۹ و ۱۱۲۹ در رویه ..... ۹۷
- بند نخست: ماده ۱۰۲۹، شروط شماره ۸ و ۱۱ از شروط ۱۲ گانه و بند ۱ از ماده ۱۱۳۰ ..... ۹۷
- بند دوم: ماده ۱۱۲۹ و شرط شماره ۱ از شروط ۱۲ گانه ..... ۹۸
- مبحث دوم: بررسی شروط ضمن عقد و عسر و حرج ..... ۹۹
- گفتار نخست: مقایسه شروط ضمن عقد و عسر و حرج ..... ۹۹
- ۱- عنوان تصمیم دادگاه ..... ۱۰۰
- ۲- اهمیت و جایگاه بذل حقوق مالی ناشی از زوجیت ..... ۱۰۱
- ۳- محصور نبودن مصادیق عسر و حرج ..... ۱۰۳
- ۴- تفاوت مبنا و اثر آن در فرایند دادرسی ..... ۱۰۳
- گفتار دوم: بررسی شروط ضمن عقد نکاح ..... ۱۰۴
- ۱- نفقه و حقوق واجبه ..... ۱۰۴
- الف: استنکاف شوهر از دادن نفقه زن ..... ۱۰۵
- سوال: مهلت ۶ ماهه موضوع شرط ۱ از چه زمانی محاسبه می شود؟ ..... ۱۰۵
- ب: سایر حقوق واجبه ..... ۱۰۷
- ۲- سوء رفتار یا سوء معاشرت زوج به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیر قابل تحمل کند ..... ۱۰۸
- ۳- ابتلای زوج به امراض صعب‌العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای زوجه مخاطره‌انگیز باشد ..... ۱۰۹
- ۴- جنون زوج در مواردی که فسخ نکاح شرعا ممکن نباشد ..... ۱۰۹
- ۵- عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال زوج به شغلی که طبق نظر دادگاه صالح، منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه باشد ..... ۱۱۰
- ۶- محکومیت شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به پنج سال یا بیشتر بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد ..... ۱۱۱
- ۷- ابتلاء زوج به هر گونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل آورد و ادامه زندگی برای زوجه دشوار باشد ..... ۱۱۱
- ۸- زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند. تشخیص ترک زندگی خانوادگی و تشخیص عذر موجه با دادگاه است و یا شش ماه متوالی بدون عذر موجه از نظر دادگاه غیبت نماید ..... ۱۱۱
- ۹- محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب جرم و انجام هر گونه مجازات اعم از حد و تعزیر در اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زوجه باشد ..... ۱۱۲
- تشخیص اینکه مجازات مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی است با توجه به وضع و موقعیت زوجه و عرف و موازین دیگر با دادگاه است ..... ۱۱۲
- ۱۰- در صورتیکه پس از گذشت پنج سال زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر زوج صاحب فرزند نشود ..... ۱۱۲
- ۱۱- در صورتیکه زوج مفقود الاثر شود و ظرف شش ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود ..... ۱۱۳

- ۱۲- زوج همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید. .... ۱۱۳
- ساختار حقوقی فوق پیچیده ..... ۱۱۴
- تاریخچه ..... ۱۱۴
- وضع کنونی ..... ۱۱۶
- ازدواج مجدد غیر مجاز ..... ۱۱۶
- ثبت ازدواج مجدد غیرمجاز ..... ۱۱۶
- ازدواج مجدد مجاز ..... ۱۱۷
- مجوز ازدواج مجدد ..... ۱۱۷
- ازدواج مجدد بدون رضایت همسر اول و اختیار طلاق ..... ۱۱۷
- طرق اثباتی ..... ۱۱۸
- شایعات و واقعیات حقوقی ..... ۱۱۸
- گفتار سوم : عسر و حرج ..... ۱۱۹
- بررسی مصادیق تبصره ماده ۱۱۳۰ ..... ۱۲۰
- ۱- ترک زندگی خانوادگی ..... ۱۲۰
- ۲- اعتیاد ..... ۱۲۰
- ۳- محکومیت قطعی زوج به حبس ..... ۱۲۰
- ۴- ضرب و شتم یا هر گونه سوء رفتار ..... ۱۲۰
- ۵- ابتلای زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی ..... ۱۲۳
- گفتار چهارم : بیماری‌های زوج و انحلال نکاح ..... ۱۲۳
- بند نخست: بیماری زوج و فسخ نکاح ..... ۱۲۴
- الف: فسخ به جهت بیماری زوج با استناد به عیوب منصوص ..... ۱۲۴
- ۱- خِصَاء ..... ۱۲۵
۲. عِنَن ..... ۱۲۶
- ۳ - مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد. .... ۱۲۷
۴. جنون ..... ۱۲۷
- یک: جنون به عنوان مبنای دادخواست فسخ ..... ۱۲۹
- دو: جنون به عنوان مبنای عسر و حرج ..... ۱۳۰
- سه: جنون به عنوان سبب تحقق شرط وکالت ..... ۱۳۰
- جنون خواننده و دشواری‌های دادرسی ..... ۱۳۰
- ب: فسخ به جهت بیماری زوج با استناد به بیماری‌های غیرمنصوص ..... ۱۳۲
- بند دوم: بیماری زوج و طلاق ..... ۱۳۳
- گفتار پنجم : نگاهی به ماده ۲۶ قانون حمایت خانواده ..... ۱۳۴

- ۱- پرونده منتهی به صدور گواهی عدم امکان سازش ..... ۱۳۴
- ۲- پرونده منتهی به صدور حکم ..... ۱۳۵
- مبحث سوم: رسیدگی و الزامات ..... ۱۳۷
- گفتار نخست: داورى ..... ۱۳۷
- الف: شرایط داور ..... ۱۳۷
- ب: نحوه اقدام داور ..... ۱۳۸
- ج: ضمانت اجرای عدم معرفی داور ..... ۱۳۹
- د: اقدام دادگاه در ارتباط با نظریه داور ..... ۱۴۰
- گفتار دوم: آنچه باید تعیین تکلیف شود ..... ۱۴۰
- مبحث چهارم: نتیجه رسیدگی و اجرا ..... ۱۴۱
- گفتار نخست: "حکم" طلاق ..... ۱۴۱
- ۱- حکم به الزام زوج به طلاق ..... ۱۴۱
- ۲- حکم به احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق ..... ۱۴۲
- گفتار دوم: مدت اعتبار ..... ۱۴۲
- گفتار سوم: فروض عدم همکاری ..... ۱۴۲
- ۱- عدم همکاری زوج ..... ۱۴۳
- ۲- عدم همکاری زوج ..... ۱۴۳
- گفتار چهارم: قابلیت صدور اجراییه ..... ۱۴۳
- سوال: آیا طلاق به درخواست زوجه بائن است؟ ..... ۱۴۴
- مبحث پنجم: نحوه ثبت دادخواست طلاق به درخواست زوج در سامانه خود کاربری وکلا ..... ۱۴۸
- نمونه دادخواست طلاق به درخواست زوج ..... ۱۵۲
- نمونه دادنامه بدوی طلاق به درخواست زوج ..... ۱۵۳
- نمونه دادنامه تجدید نظر طلاق به درخواست زوج ..... ۱۵۵
- نمونه دادنامه دیوان عالی کشور در طلاق به درخواست زوج ..... ۱۵۷
- مبحث ششم: خواسته طلاق به درخواست زوج و چکیده آرای قضایی ..... ۱۵۸
- مبحث هفتم: خواسته طلاق به درخواست زوج و نظریه‌های مشورتی ..... ۱۷۱
- ❖ فصل سوم: طلاق توافقی ..... ۱۹۱
- مقدمه و ماهیت ..... ۱۹۲
- مبحث نخست: کاربرد پرونده "طلاق توافقی" ..... ۱۹۴
- "طلاق توافقی" مقدمه "ثبت رسمی طلاق" در "ازدواج ثبت شده" ..... ۱۹۴
- تکلیف طلاق در ازدواج ثبت نشده ..... ۱۹۴
- تکلیف طلاق ثبت نشده در ازدواج ثبت شده ..... ۱۹۵

- ۱۹۵..... مبحث دوم: خواهان دعوی طلاق توافقی .....
- ۱۹۶..... گفتار نخست: حالت عادی .....
- ۱۹۶..... گفتار دوم: حالات فوق العاده .....
- ۱۹۶..... بند نخست: زوج صغیر .....
- ۱۹۷..... بند دوم: زوج سفیه .....
- ۱۹۷..... بند سوم: زوج مجنون .....
- ۱۹۷..... بند چهارم: زوجه محجور .....
- ۱۹۸..... بند پنجم: وکالت مع الواسطه .....
- ۱۹۸..... وکالت مع الواسطه در پرونده طلاق توافقی، کاربرد و علت شیوع .....
- ۱۹۸..... اصطلاحات و واژه ها .....
- ۱۹۸..... الف) وکالت مدنی و وکالت دادگستری .....
- ۱۹۹..... ب) وکیل مدنی و وکیل دادگستری .....
- ۱۹۹..... ج) وکیل مستقیم در برابر وکیل مع الواسطه .....
- ۱۹۹..... اختیارات و سمت .....
- ۲۰۰..... ۱- اختیار اصل طلاق .....
- ۲۰۰..... واگذاری «حق طلاق» و نمونه دادنامه .....
- ۲۰۲..... ۲- اختیار قبول بذل .....
- ۲۰۲..... بذل در برابر طلاق در پرونده طلاق توافقی، اهمیت، کاربرد و جایگاه .....
- ۲۰۳..... دلالت اختیار طلاق بر اختیار قبول بذل .....
- ۲۰۴..... ضمانت اجرای شکلی اقدام خارج از محدوده اختیار .....
- ۲۰۴..... ضمانت اجرای عدم رعایت مصلحت موکل .....
- ۲۰۵..... ۳- اختیار اعمال وکالت به نحو مقید .....
- ۲۰۵..... ۴- اختیار توکیل .....
- ۲۰۶..... امکان وکالت زوجه از زوج در پرونده طلاق توافقی .....
- ۲۰۶..... رأی اصرای در ارتباط با اعتبار طلاق خارج از فرآیند دادگاه .....
- ۲۰۶..... ۵- اختیار تعیین تکلیف امور فرزندان .....
- ۲۰۷..... ۶- اختیار اسقاط حق تجدیدنظرخواهی و فرجام خواهی .....
- ۲۰۸..... اعتراض علیرغم اسقاط حق اعتراض .....
- ۲۰۸..... ۷- تعیین تاریخ برای اقدام .....
- ۲۰۹..... نمونه وکالت نامه مدنی .....
- ۲۱۰..... نمونه صلح نامه رسمی .....
- ۲۱۱..... اثر حضور خود زوج در فرایند دادرسی .....
- ۲۱۱..... دعوی ابطال سند رسمی وکالت در طلاق در قسمت وجود عقد خارج لازم .....

۲۱۲.....	امکان وکالت کارآموز در پرونده طلاق.....
۲۱۵.....	نحوه تنظیم وکالت نامه الکترونیک به عنوان وکیل مع الواسطه زوج.....
۲۱۹.....	مبحث سوم: آنچه که لازم است در پرونده طلاق توافقی تعیین تکلیف شود.....
۲۱۹.....	۱- مهریه.....
۲۲۰.....	الف: صرفنظر کردن از کل مهریه در قالب یکی از نهادهای قانونی.....
۲۲۰.....	الف-۱) ابراء:.....
۲۲۰.....	الف-۱-۱) ابرا خارج از فرایند پرونده طلاق توافقی.....
۲۲۰.....	الف-۱-۲) ابرا ضمن پرونده طلاق توافقی.....
۲۲۱.....	الف-۲) هبه.....
۲۲۱.....	الف-۳) صلح.....
۲۲۲.....	امکان صلح مهریه در قبال حق حضانت و ملاقات.....
۲۲۳.....	الف-۴) بذل در قبال طلاق.....
۲۲۵.....	خطر توافقات مبهم و پیشنهاد توافق مناسب.....
۲۲۸.....	الف-۵) صرفنظر کردن از کل مهریه با استفاده از دو یا چند نهاد قانونی موضوع شماره‌های ۱ تا ۴.....
۲۲۸.....	ب) صرفنظر کردن از بخشی از مهریه.....
۲۲۸.....	ج) محفوظ باقی گذاشتن حق مطالبه کل مهریه.....
۲۲۹.....	د) توافق در خصوص نحوه پرداخت مهریه.....
۲۲۹.....	ه) محول کردن مهریه به پرونده جاری جداگانه.....
۲۲۹.....	و) اقرار به دریافت.....
۲۲۹.....	۲- نفقه.....
۲۳۰.....	۳- اجرت المثل ایام زوجیت.....
۲۳۰.....	۴- جهیزیه.....
۲۳۰.....	۵- امور فرزندان.....
۲۳۰.....	۵-الف) حضانت.....
۲۳۱.....	۵-ب) ملاقات.....
۲۳۱.....	۵-ج) نفقه.....
۲۳۲.....	اعتبار توافق بر عدم مسئولیت پدر نسبت به نفقه فرزند.....
۲۳۲.....	امکان اصلاح تغییر توافقات نسبت به امور فرزندان.....
۲۳۲.....	۶- نوع طلاق.....
۲۳۳.....	۷- نوبت طلاق.....
۲۳۳.....	مبحث چهارم: رسیدگی و نتیجه پرونده.....
۲۳۴.....	قابلیت اعتراض.....

- ۲۳۵..... مدت اعتبار و ضمانت اجرای خاص
- ۲۳۵..... فروض عدم همکاری
- ۲۳۶..... الف) عدم همکاری زوج
- ۲۳۶..... ب) عدم همکاری زوجه
- ۲۳۷..... عدم همکاری زوجه و لزوم ثبت اثر انگشت در دستگاه الکترونیک
- ۲۳۸..... عدم همکاری زوجه و گواهی عدم بارداری
- ۲۳۸..... حذف واقعه ازدواج و طلاق از شناسنامه
- ۲۳۸..... اقدامات اجرایی
- ۲۴۰..... امکان سازش بر طلاق توافقی در سایر پرونده‌ها
- ۲۴۰..... امکان تعدیل توافقات مالی
- ۲۴۱..... اعتبار شرط اسقاط حق درخواست تعدیل
- ۲۴۱..... امکان استفاده مکرر از وکالت در طلاق
- ۲۴۲..... فرایند مشاوره پیش از طلاق توافقی
- ۲۴۳..... مبحث پنجم: نحوه ثبت دادخواست طلاق توافقی در سامانه خودکاربری و کلا
- ۲۵۳..... نمونه دادخواست طلاق توافقی
- ۲۵۴..... نمونه دادنامه طلاق توافقی
- ۲۵۵..... مبحث ششم: طلاق توافقی و چکیده آرای قضایی
- ۲۵۶..... مبحث هفتم: خواسته طلاق توافقی و نظریه‌های مشورتی
- ۲۷۱..... مبحث هشتم: خواسته طلاق توافقی در نشست‌های قضایی
- ۲۷۳..... منابع و مأخذ



## مقدمه

طلاق، پایان رابطه حقوقی زن و شوهر است. در جامعه ما بنا به دلایل سنتی و فرهنگی هرچقدر که "ازدواج" نهادی مبارک و پسندیده است، "طلاق" نهادی نکوهیده و نامیمون است. نتیجه این تفاوت فرهنگی آن است که آموزش "دانش ازدواج" بازاری پر رونق و مورد حمایت دارد در حالی که آموزشی با موضوع "دانش طلاق" مهجور و غیرمعمول است. طلاق، مذموم است و صحبت از آن هم نامیمون و "دانش جدایی" هم امری است نالازم. "کلاس‌های ازدواج" متداول و "کلاس طلاق" عجیب و نایاب است. عدم آگاهی در این امر موجب ناتوانی زوجین و خانواده‌ها از مدیریت اختلافات و تبدیل اختلافات به بحران‌ها و جنگ و جدل‌های چند ساله حقوقی و خانوادگی می‌گردد. البته کاربرد "دانش جدایی" صرفاً برای "طلاق و جدایی" نیست. همانطور که "دانش ازدواج" صرفاً برای ازدواج نیست. دانش ازدواج می‌تواند از شروع یک رابطه زوجیت نامناسب جلوگیری کند. به همین ترتیب "دانش جدایی" نیز می‌تواند از طلاق و جدایی بی‌مورد جلوگیری کرده و به یک رابطه زوجیت مشخص، دوام و کیفیت ببخشد. این دانش مانند دانش ازدواج واجد جنبه‌های انسانی، اجتماعی، روان‌شناسی، اقتصادی و حقوقی است. آگاهی زوجین از جنبه‌های حقوقی طلاق و جدایی می‌تواند از شروع یا تشدید اختلافات جلوگیری کرده و در زمان مناسب، یاریگر زوجین برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات (به جای تبدیل اختلاف به بحران) باشد. کتاب حاضر تلاشی است برای بررسی جنبه‌های حقوقی انواع طلاق با توجه به آخرین رویه‌های دادگاه‌های خانواده ایران در پرونده‌های طلاق مطابق با آخرین قوانین موضوعه اجرایی. در عرف جامعه، طلاق حق مرد دانسته می‌شود. نتیجه سنتی این پیش‌فرض ذهنی آن است که اولاً "مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق بدهد" ثانیاً زن اختیاری برای طلاق ندارد.

این دو نتیجه به هیچ وجه کامل نیست چرا که اولاً اعمال حق طلاق از ناحیه مرد تحت نظارت بسیار شدید و دقیق دادگاه قرار دارد تا آنجا که اصل حق مرد را بسیار محدود کرده است. ثانیاً زن نیز می‌تواند در موارد بسیار زیاد از دادگاه درخواست طلاق نماید.

با نگاهی به مجموعه قوانین معاصر مربوط به طلاق، می‌توان به یک نکته کلی پی برد.

از دیدگاه قانونگذار معاصر، طلاق نه فقط یک "حق" قانونی برای پایان رابطه زوجیت، بلکه یک "ابزار حقوقی" برای مدیریت رابطه حقوقی زوجین است. (استفاده ابزاری قانونگذار از حق طلاق و ارتباط حق طلاق با حقوق مالی زوجه به مناسبت هر فصل در جای خود بررسی شده است.)

آغازگر فرایند و "خواهان" پرونده طلاق، ممکن است زوج، زوجه یا هر دو نفر زوجین باشند. به این ترتیب پرونده‌های طلاق را می‌توان به سه پرونده "طلاق به درخواست زوج"، "طلاق به درخواست زوجه" و "طلاق توافقی" تقسیم نمود. نحوه ثبت هر دادخواست در سامانه خودکاربری و کلا ویژگی‌های خاص خود را دارد که در این کتاب با توجه به سه نوع طلاق برای هر یک به صورت جداگانه توضیح داده شده است. همچنین نمونه دادنامه بدوی، تجدید نظر، دیوان عالی کشور، چکیده آرای قضایی و نظریه‌های مشورتی در رابطه با هر نوع طلاق ذکر شده است.

در ابتدای هر فصل، نکات حقوقی و ماهوی مربوط به پرونده طلاق و سپس نکات کاربردی و شکلی از جمله مربوط به سامانه ثبت دادخواست مطرح می‌شوند.

تلاش کتاب حاضر بر ارائه هر چه ساده تر مطالب بوده است، با این آشنایی اجمالی و اولیه با دانش حقوق به ویژه آشنایی مقدماتی با آیین دادرسی مدنی یاریگر مخاطب در ارتباط هر چه بیشتر با دیگر مطالب کتاب است.

مباحث کتاب می‌تواند برای قضات دادگاه‌های خانواده، و کلا، کارآموزان قضاوت و وکالت، دانشجویان حقوق و در نهایت برای افرادی که در موقعیتی خاص درگیر یک پرونده خانوادگی مشخص شده‌اند می‌تواند مفید و قابل بهره برداری باشد.

در ارائه مطالب، آنجا که قانون صراحت دارد، متن قانون معیار قرار گرفته است و آنجا که به علت سکوت قوانین، ابهام و اختلاف نظر پیدا شده است، رویه عملی دادگاه‌های خانواده، نظریات مشورتی اداره حقوقی و نظر قضات دادگاه‌های تخصصی خانواده معیار عمل قرار گرفته است اگرچه نظر مخالف نیز نقل و بررسی شده است.

از آنجایی که دادخواست طلاق توافقی و طلاق به درخواست زوجه مختصرتر بیان شده توصیه می‌شود جهت درک بهتر، ابتدا نحوه ثبت دادخواست «صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج» و کتاب «سامانه خودکاربری وکلا» مطالعه شود .

مسئله کتاب حاضر واجد نواقص و کاستی‌هایی است که نویسندگان را نیازمند تذکر و ارشاد اساتید و مخاطبین محترم می‌نماید.



## فصل نخست

صدور کولای عدم امکان سازش به درخواست زوج



## مقدمه

می‌دانیم که طلاق، "ایقاع" و به اراده شوهر است. نقش فرایند قضایی در وقوع و اعتبار طلاق چیست؟ فرض کنید مردی هنگام مسافرت در رستوران به تنهایی مشغول صرف ناهار است. بی‌هیچ دلیلی، در لحظه تصمیم به پایان دادن زندگی مشترک ۲۰ ساله و طلاق دادن زن خود می‌گیرد. دو نفر کارگر مرد رستوران را صدا می‌زند. قصد خود را بیان کرده و در غیاب همسر خود، صیغه عربی طلاق را جاری می‌کند. آیا این طلاق معتبر است؟ آیا زندگی مشترک ۲۰ ساله زوجین با همین تصمیم لحظه‌ای پایان یافته است؟

قرن‌ها قبل از پیدایش قانون و مراجع قانونی به سبک امروزی، ازدواج و طلاق به‌عنوان نهادهای فرهنگی شرعی و مذهبی، میان مردم - و عمدتاً از طریق مراجع مذهبی - وجود و اعتبار داشته‌اند؛ بدون آنکه مرجعی برای ثبت جامع آنها وجود داشته باشد. تا قبل از پیدایش نهادهای جدید دولتی و حاکمیتی در همین یکی، دو قرن گذشته، مرجع خاصی برای ثبت تولد، ازدواج، طلاق و فوت اشخاص وجود نداشت؛ بلکه ثبت و ضبط این وقایع در حافظه اشخاص، دست‌نوشته‌های افراد و نهایتاً مکتوبات صادرشده از مراجع مذهبی انجام می‌شد.

از زمان پیدایش مفهوم دولت، کشور و قانون به معنای مدرن و جدید آن و از زمان پیدایش نهادهای رسمی برای ثبت و ضبط وقایع چهارگانه (تولد، ازدواج، طلاق و فوت) قانون‌گذار تلاش کرد تا حد امکان از اعتباربخشی به وقایع ثبت‌نشده خودداری کرده و در مقابل صرفاً وقایعی را که طبق قانون و تشریفات به ثبت رسمی رسیده‌اند، معتبر بداند.

بیش از صد سال است که قانون‌گذار تلاش می‌کند اختیار مطلق مرد برای پایان دادن به زندگی مشترک از طریق طلاق را تحت انقیاد خود درآورده و مانع طلاق‌های لحظه‌ای و بی‌دلیل شود. از زمان تصویب ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در سال ۱۳۱۳ که مقرر می‌داشت «مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق بدهد» تا زمان تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و الزامی شدن ثبت رسمی طلاق، راه نسبتاً درازی طی شده است.

مطابق قوانین فعلی، اگر مردی قصد «ثبت رسمی طلاق» همسر خود را داشته باشد، مکلف است «حداقل» مراحل زیر را طی کند: ثبت‌نام و اخذ نوبت در سامانه مشاوره، چند جلسه مراجعه به مرکز مشاوره و اخذ گواهی، مراجعه به دفتر خدمات قضائی و ثبت دادخواست، مراجعه به دادگاه خانواده و طی مراحل بدوی (و احتمالاً) تجدید نظر و دیوان عالی کشور، اخذ گواهی عدم امکان سازش، پرداخت حقوق

مالی همسر (یا اثبات اعیان از پرداخت این حقوق) شامل مهریه، نفقه، اجرت‌المثل / نخله، استرداد جهیزیه. تعیین تکلیف فرزندان. و واگذار کردن تا نصف دارایی خود به همسر. سپس مراجعه به دفتر رسمی طلاق و ثبت رسمی طلاق. طی کردن مجموع این فرایند معمولاً بین ۱۸ ماه تا دو سال زمان می‌برد. واضح است که قصد قانون‌گذار، برخورد هرچه محتاطانه‌تر با مسئله طلاق، جلوگیری از وقوع طلاق تا حد امکان و حفظ نهاد خانواده است. با این حال جای تعجب دارد که قانون‌گذار هنوز طلاق لحظه‌ای (به سبک قرون گذشته) از جانب مرد را معتبر و سبب انحلال نهاد خانواده می‌شناسد.

اکنون، حدود یک قرن پس از شروع تلاش‌های قانون‌گذار برای محدود کردن اختیار مطلق مرد برای انحلال لحظه‌ای و بی‌دلیل نهاد خانواده، می‌توان گفت حاصل یک قرن تلاش قانون‌گذار، در برابر ۱۴ قرن سابقه فقهی «تقریباً هیچ» بوده است.

با وجود قوانین متعدد و با وجود پیش‌بینی ضمانت‌های اجرای رنگارنگ برای اعتباربخشی به طلاق ثبت‌شده، هنوز هم مرد می‌تواند در هر زمانی، با مقدمه یا بی‌مقدمه، در منزل یا در رستوران! در حضور زن یا در غیاب او، با پرداخت حقوق مالی زن یا بدون پرداخت آن، صرفاً در حضور دو نفر مرد (و با اطلاع از شرایط شرعی)، صیغه طلاق را به زبان آورده و زن را طلاق دهد. چنین طلاق معتبر است و نهاد خانواده را منحل می‌کند و دعوای اثبات و ثبت آن نیز استماع می‌شود.

با این حال، ساختار اجتماعی، الزامات قانونی و ضمانت اجرای کیفری "عدم ثبت رسمی طلاق" شوهر را ناگزیر از "ثبت رسمی طلاق" می‌نماید. شوهری که طلاق همسر خود را ثبت رسمی نکرده باشد از نظر پایگاه‌های دولتی ثبت داده‌های هویتی شهروندان، شخص متاهل محسوب شده و تمام الزامات شخص متاهل از قبیل تکالیف قانونی ناشی از رابطه زوجیت (مثل لزوم پرداخت نفقه همسر، تکالیف اداری و بیمه‌ای)، همچنین تمام محدودیت‌های شخص متاهل (مثل عدم امکان ثبت رسمی ازدواج دیگر) بر او بار می‌شود. به این ترتیب، اگر اسناد هویتی و پایگاه‌های داده‌ای حکایت از تاهل مردی داشته باشند، تقریباً هیچ مرجع عمومی و دولتی، ادعای وقوع طلاق ثبت نشده و انحلال رابطه زوجیت را از شوهر نمی‌پذیرد. بنابراین مرد ناگزیر از ثبت رسمی طلاق است. و ثبت رسمی طلاق هم صرفاً پیرو تصمیم مرجع قضایی ممکن است.

در حقیقت، اگرچه فرایند قضایی "طلاق به درخواست زوج" ارتباطی به اعتبار اصل طلاق ندارد با این حال بدون طی فرایند قضایی، طلاق ثبت رسمی نمی‌شود و بدون ثبت رسمی طلاق نیز، ادعای انحلال رابطه زوجیت از طریق وقوع طلاق عادی (و غیر رسمی) از شوهر مسموع نیست.

## کاربرد

پرونده طلاق از جانب زوج مقدمه "ثبت رسمی طلاق در ازدواج ثبت شده" است. به این ترتیب:

اولا وجود این پرونده برای اعتبار "اصل طلاق" ضروری نیست. با این حال همان طور که توضیح داده شد، شوهری که در زمانه حاضر قصد طلاق دادن همسر خود را داشته باشد، ناگزیر از تشکیل پرونده "گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج" است.

ثانیا اگر ازدواج زوجین تا کنون ثبت رسمی نشده باشد، برای ثبت رسمی طلاق، لازم است ابتدا ازدواج ثبت رسمی شود. نحوه ثبت رسمی ازدواج عادی در جای خود توضیح داده شده است. (نگاه کنید به مقدمه فصل طلاق توافقی)

ثالثا اگر زوج به هر دلیلی سابقا همسر خود را "طلاق عادی" (نه رسمی) داده باشد، برای "ثبت رسمی" طلاقی که سابقا به صورت عادی انجام شده است، باید پرونده دیگری غیر از پرونده طلاق به درخواست زوج تشکیل دهد. نحوه ثبت رسمی طلاق عادی (از طریق ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده یا دعوی تنفیذ/اثبات و الزام به ثبت طلاق) در جای خود توضیح داده شده است. (نگاه کنید به مقدمه فصل طلاق توافقی)

در این فصل ابتدا رسیدگی و الزامات پرونده صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج بررسی می‌شود. (مبحث نخست). سپس نتیجه رسیدگی و اجرا توضیح داده می‌شود. (مبحث دوم) همچنین مباحث مربوط به صلاحیت ذاتی و محلی این پرونده در ابتدای مبحث سامانه خودکاربری و کلا در انتهای همین فصل توضیح داده می‌شود.



## مبحث نخست: رسیدگی و الزامات

مطابق مواد ۲۸ و ۲۹ از قانون حمایت خانواده، تعیین تکلیف حقوق مالی زوجه و امور فرزندان و اخذ نظریه دآوری در پرونده طلاق از جانب زوج الزامی است. این موارد به ترتیب بررسی می‌شود. در عین حال در خصوص دآوری و تعیین تکلیف امور فرزندان، نظر به این که در فصل طلاق به درخواست زوجه در خصوص دآوری و در فصل طلاق توافقی در خصوص تعیین تکلیف امور فرزندان توضیح مبسوط داده شده است از تکرار مطالب در این فصل خودداری می‌شود. بنابراین در این فصل در خصوص تعیین تکلیف حقوق مالی زوجه توضیح داده می‌شود.

### گفتار نخست: حقوق مالی زوجه

در پرونده طلاق از جانب زوجه، همانند پرونده طلاق توافقی، چهار حق عمومی زوجه شامل مهریه، نفقه، اجرت المثل و همچنین جهیزیه باید تعیین تکلیف شود. اما دو حق دیگر زوجه یعنی شرط تنصیف دارایی و نحلہ اختصاص به پرونده طلاق از جانب زوج دارد و در سایر پرونده‌های طلاق (توافقی و از جانب زوجه) جایگاهی ندارد. این ۶ حق مالی به ترتیب بررسی می‌شود.

#### الف: مهریه

در پرونده طلاق از جانب زوج، دادگاه ضمن صدور گواهی عدم امکان سازش باید تکلیف مهریه زوجه را تعیین نماید.

۱- اگر مهریه سابقا پرداخت، ابراء، هبه یا صلح شده باشد، زوج با تکلیف دیگری از جهت مهریه مواجه نیست.

۲- اگر زوجه سابقا مهریه خود را از طریق واحد اجرای ثبت به اجرا گذاشته باشد، دادگاه با توجه به وضعیت پرونده اجرایی واحد اجرای ثبت و توقیف احتمالی اموال زوج و وصول احتمالی قسمت یا تمام مهریه، تصمیم مناسبی در خصوص مهریه در گواهی عدم امکان سازش اتخاذ می‌نماید اعم از اینکه وصول مهریه را به نحو کامل به واحد اجرای ثبت محول کند و در پرونده حاضر (یعنی طلاق از جانب زوج) تکلیف جدیدی برای زوج از جهت پرداخت مهریه تعیین ننماید. یا اینکه علی‌رغم وجود پرونده در واحد اجرای ثبت، اجرا و ثبت صیغه طلاق را نیز منوط به پرداخت تمام یا قسمتی از بخش وصول نشده از مهریه نماید.

۳- اگر زوجه سابقاً در دادگستری در خصوص مهریه تشکیل پرونده داده باشد، در پرونده طلاق از جانب زوج، تکلیف دیگری برای زوج از جهت پرداخت مهریه تعیین نمی‌شود و وصول مهریه به نحو کامل به پرونده مستقل مهریه محول می‌شود. بنابراین می‌توان گفت از این نظر، تشکیل پرونده مطالبه مهریه در دادگستری از ناحیه زوجه عملاً به معنای هموار کردن مسیر طلاق برای زوج است.

۴- اگر مهریه زوجه سابقاً تعیین تکلیف و مطالبه نشده باشد و بین زوجین نیز قرار و توافقی در خصوص نحوه پرداخت مهریه وجود نداشته باشد و واقع نشود، دادگاه رسیدگی کننده به پرونده طلاق از جانب زوج، اجرا و ثبت صیغه طلاق را منوط به پرداخت کامل مهریه زوجه خواهد نمود. با این حال، راه طرح دعوی اعسار از پرداخت مهریه زوجه منعکس در گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج مطابق ماده ۲۰ آیین نامه اجرایی ق.ح.خ برای زوج باز است که در جای خود بررسی خواهد شد.

#### ب: نفقه

اجرا و ثبت صیغه طلاق در پرونده طلاق از جانب زوج منوط به تعیین تکلیف نفقه معوقه، جاری و ایام عده زوجه است.

#### ۱- نفقه معوقه

همانند مهریه، تعیین تکلیف نفقه معوقه زوجه نیز بستگی به وجود یا عدم وجود پرونده نفقه از سابق بین زوجین دارد.

- اگر زوجه سابقاً نفقه خود را در پرونده مستقل مطالبه نموده باشد در پرونده حاضر تصمیم جدیدی در خصوص نفقه زوجه اتخاذ نمی‌شود و پرداخت نفقه به پرونده مستقل نفقه محول می‌شود.
- اگر زوجه سابقاً نفقه خود را با تشکیل پرونده مستقل مطالبه ننموده باشد، دادگاه در پرونده طلاق از جانب زوج و حسب درخواست خوانده (زوجه) رسیدگی تمام عیاری به موضوع نفقه معوقه زوجه می‌نماید و با توجه به ادعای زوجه و دفاعیات زوج، در خصوص بازه زمانی و میزان نفقه استحقاقی زوجه در گذشته اتخاذ تصمیم کرده و ضمن صدور گواهی عدم امکان سازش، اجرا و ثبت صیغه طلاق را منوط به پرداخت نفقه معوقه تعیین شده می‌نماید.

## ۲- نفقه جاری

رسیدگی به درخواست طلاق از جانب زوج عموماً از چند ماه تا یکی دو سال زمان می‌برد. در این مدت رابطه زوجیت طرفین ادامه داشته و زوجه علی‌الاصول مستحق نفقه جاری است. دادگاه مکلف است علاوه بر نفقه گذشته، نفقه جاری زوجه را نیز تعیین تکلیف نماید و با تعیین میزان نفقه ماهانه زوجه، زوج را مکلف به پرداخت نفقه جاری زوجه تا تاریخ اجرای صیغه طلاق نماید. بدیهی است احراز نشوز زوجه مانع استحقاق نفقه جاری است.

## ۳- نفقه ایام عده

اگر طلاق از جانب زوج مشمول بند ۱ و ۲ و ۴ ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی نباشد، طلاق رجعی است (چون قاعدتا مشمول بند ۳ نیز نخواهد بود چرا که بین زوجین توافقی برای طلاق وجود ندارد و گرنه زوجین پرونده طلاق توافقی مطرح می‌کردند نه پرونده طلاق از جانب زوج) و زوجه حسب ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی مستحق نفقه ایام عده نیز می‌باشد. عده طلاق رجعی حسب ماده ۱۱۵۱ و ۱۱۵۳ قانون مدنی حدود سه ماه و اگر زوجه باردار باشد تا زمان وضع حمل است.

معمول است که دادگاه میزان نفقه ایام عده طلاق رجعی را نیز تعیین و آن را در گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج قید نماید. زوجه باردار در هر صورت مستحق نفقه ایام عده است. اما در مورد زوجه‌ای که باردار نیست اگر "طلاق در حال نشوز واقع شود" زوجه مستحق نفقه نیست.

نحوه تعیین نفقه زوجه (اعم از معوق، جاری و ایام عده) در پرونده طلاق از جانب زوج از طریق ارجاع موضوع به کارشناسی خواهد بود. به این ترتیب تمام الزامات و اختیارات و ضمانت‌های قرار کارشناسی از قبیل لزوم پرداخت هزینه، لزوم همکاری با کارشناس، اختیار اعتراض به نظریه کارشناسی و ... در این مورد نیز جاری خواهد بود.

پرداخت هزینه کارشناس بدوی با خواهان (زوج) است چرا که ارجاع به کارشناس برای تعیین میزان نفقه در این پرونده، تکلیف دادگاه بوده و ارجاع به کارشناس با نظر دادگاه انجام می‌شود. ضمانت اجرای عدم پرداخت هزینه کارشناسی از ناحیه خواهان، اعمال ماده ۲۵۹ ق.آ.د.م. و صدور قرار ابطال دادخواست است.

در ادامه جدول اطلاعات انواع طلاق و عده انواع طلاق و استحقاق یا عدم استحقاق نفقه ایام عده را ببینید:

### جدول انواع طلاق کاربردی

عده طلاق (زمان حدود سه ماه پس از طلاق که زن نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند)	مصادیق	تعریف	بذل و قبول بذل در قبال طلاق	امکان، زمان و اثر رجوع زوجه به مابذل	امکان، زمان و اثر رجوع زوج به زوجه	نفقة ایام عده
ندارد	بائن غیر مدخوله	طلاهی که پیش از اولین رابطه زناشویی واقع می‌شود (ارتباطی به دوشیزگی ندارد)	ممکن است	ممکن نیست	ممکن نیست	ندارد
	بائن یائسه	طلاهی که در سن یائسگی واقع می‌شود	ممکن است	ممکن نیست	ممکن نیست	ندارد
دارد	بائن خلع/ مبارات	طلاهی که همراه با بذل و قبول بذل در قبال طلاق باشد	لازم است	صرفاً در ایام عده زوجه می‌تواند به مابذل رجوع کند. اثر رجوع زوجه به مابذل در ایام عده: ۱- احیاء رابطه زوجیت ✖ ۲- ایجاد اختیار رجوع برای زوج ✓	۱- صرفاً اگر زوجه به مابذل رجوع کند ۲- صرفاً تا پایان ایام عده برای زوج امکان رجوع به زوجه متصور است اثر رجوع زوج: احیاء رابطه زوجیت	ندارد
	رجعی	طلاهی که بائن نباشد	ممکن نیست		در ایام عده برای زوج حق رجوع متصور است. اثر رجوع زوج احیاء رابطه زوجیت	علی الاصل دارد

### توضیحات جدول:

- ۱- عده و نفقه در سایر اسباب انحلال نکاح (فسخ و فوت) هم متصور است. جدول حاضر اختصاص به (فقط) طلاق دارد.
- ۲- طلاق می‌تواند به بیش از یک سبب (مثلاً هم یائسه هم خلع) بائن باشد.
- ۳- اگر طلاق در زمان بارداری زن واقع شود، صرفاً مدت عده متفاوت است (تا زمان وضع حمل) ولی سایر آثار (مثلاً امکان رجوع به مابذل، امکان رجوع به زوجه و ...) همان است که در جدول ذکر شده است.
- ۴- زن باردار در هر صورت تا زمان وضع حمل مستحق نفقه است.
- ۵- سایر مصادیق طلاق بائن (صغیر و طلاق سوم) کاربرد عملی ندارند.
- ۶- اینکه چه کسی خواهان پرونده طلاق در دادخواست باشد و اینکه عنوان خواسته چه چیزی باشد (طلاق توافقی، طلاق به درخواست زوج، طلاق به درخواست زوجه) تغییری در نوع و آثار طلاق ایجاد نمی‌کند. نوع طلاق صرفاً براساس اطلاعات جدول تعیین می‌شود. پس در هر پرونده‌ای (توافقی، به درخواست زوج، به درخواست زوجه) ممکن است هر یک از انواع طلاق (مذکور در جدول) واقع شود.

### ج: اجرت المثل

در پرونده طلاق از جانب زوج تعیین تکلیف اجرت المثل ایام زوجیت زوجه الزامی است. اگر زوجه سابقا اجرت المثل خود را به موجب پرونده مستقل مطالبه نموده باشد در پرونده حاضر تصمیم جدیدی در خصوص اجرت المثل اتخاذ نمی‌شود. وگرنه در صورت درخواست و استحقاق زوجه، میزان اجرت المثل از طریق ارجاع موضوع به کارشناس رسمی دادگستری تعیین شده و اجرا و ثبت صیغه طلاق منوط به پرداخت اجرت المثل خواهد شد. در عین حال ممکن است زوجه به جای اجرت المثل، مستحق "نحله" بدل از اجرت المثل باشد. شرایط استحقاق نحله در جای خود بررسی شده است.

### د: جهیزیه

اجرا و ثبت طلاق در پرونده طلاق از جانب زوج منوط به تعیین تکلیف جهیزیه است. اگر زوجه سابقا در خصوص جهیزیه پرونده مستقل تشکیل داده باشد، در پرونده حاضر (یعنی طلاق از جانب زوج) تصمیم جدیدی اتخاذ نمی‌شود و تعیین تکلیف جهیزیه به پرونده مستقل محول خواهد شد. وگرنه دادگاه رسیدگی تمام عیاری به مساله جهیزیه خواهد داشت و با توجه به ادعای زوجه و دفاعیات زوج، عندالزوم از طریق بررسی اسناد مالکیت، ارجاع موضوع به کارشناس مربوطه، اخذ اظهارات شهود و گواهان و ... در خصوص جهیزیه تعیین تکلیف خواهد نمود.

### ه: شرط تنصیف دارایی

حق طلاق را به طور سنتی در اختیار شوهر دانسته‌اند. قانون‌گذار معاصر ایران اگرچه به سبب وجود خط قرمزهای مذهبی نتوانسته است اعمال این حق را از انحصار و اختیار شوهر خارج کند، با این حال تلاش کرده است اعمال و اجرای این حق را «تا حد امکان» تحت نظارت و کنترل خود درآورد. یکی از ابزارهای قانون‌گذار برای اعمال کنترل و نظارت بر حق طلاق انحصاری شوهر، حمایت از حقوق مالی زوجه از قبیل مهریه، نفقه، اجرت‌المثل و... است. به این ترتیب شوهری که قصد اعمال حق طلاق و «ثبت رسمی» طلاق همسر خود را داشته باشد، مکلف است ابتدا از دادگاه خانواده مجوز ثبت رسمی طلاق اخذ کند و دادگاه خانواده نیز صرفا زمانی مجوز ثبت رسمی طلاق را صادر می‌کند که حقوق مالی زوجه و نحوه پرداخت آن مشخص شده باشد. یکی از حقوق مالی که مراجع قانونی معاصر ایران به تقلید از کشور های غربی برای زنان پیش بینی نموده‌اند، "شرط تنصیف دارایی" است. این شرط در ادامه بررسی می‌شود.

### ۱- پیشینه و متن

از دهه شصت در دفترچه‌های چاپی ازدواج تهیه شده توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور متنی به صورت زیر درج شده که در صورت امضای زوج و زوجه، معتبر و واجد آثار حقوقی است.

#### متن شرط بیان می‌دارد:

«ضمن عقد نکاح زوجه شرط نمود هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءاخلاق و رفتار وی نبوده زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید».

### ۲- نگارش و تلفظ

از آنجایی که خود واژه «تخصیف» نگارش و تلفظی نامأنوس داشته و در عوض واژه هموزن و متداولی مثل «تخصیف» دارد ملاحظه می‌شود که بسیاری از مردم و حتی برخی از حقوق‌خوانان از شرط مذکور با عبارت «شرط تخصیف» یاد می‌کنند. عبارت «تخصیف دارایی» دلالت بر «نصف کردن» دارایی دارد. بنابراین مناسب است در محاورات و مکاتبات حقوقی از شکل صحیح این عبارت یعنی «تخصیف دارایی» و نه از شکل اشتباه رایج آن یعنی «تخصیف دارایی» استفاده شود.

### ۳- ماهیت و اعتبار

صرف‌نظر از اختلاف نظرهایی که در خصوص ماهیت حقوقی و اعتبار شرط مذکور وجود دارد، در حال حاضر در رویه عملی دادگاه‌های خانواده، شرط مذکور به عنوان شرط فعل، معتبر دانسته شده و بلااختلاف به لزوم اجرای آن حکم می‌شود.

### ۴- شرایط اجرای تخصیف دارایی

همان‌طور که از متن شرط تخصیف دارایی پیداست، شرط مزبور صرفاً زمانی اجرا می‌شود که:

**نخست: مورد توافق قرار گرفته باشد.**

باید توجه داشت که در ازدواج‌های زیر معمولاً شرط تخصیف دارایی مورد توافق قرار نگرفته است:

- ازدواجی که قبل از سال ۱۳۶۱ ثبت رسمی شده باشد.
- ازدواجی که سند آن به صورت عادی و خارج از دفتر رسمی ازدواج تنظیم شده باشد.

- ازدواجی که پس از سال ۱۳۶۱ ثبت رسمی شده باشد ولی زوجین ذیل قسمت مربوط به شرط تنصیف را امضا نکرده باشند.
- ازدواجی که سند رسمی آن پیرو حکم دادگاه و توسط نماینده دادگاه (و نه شخص زوج) تنظیم و امضا شده باشد.

از طرف دیگر باید توجه داشت که لازم نیست توافق در مورد شرط تنصیف دارایی حتما ضمن سند رسمی ازدواج انجام شده باشد. در حقیقت زوجین می‌توانند بعد از ازدواج و به موجب سند رسمی یا عادی دیگر، در خصوص اجرای شرط تنصیف دارایی توافق نموده یا توافق سابق خود را اصلاح یا ملغی کنند.

#### **دوم: طلاق به درخواست زوج باشد.**

مشخص است که شرط تنصیف دارایی مخصوص طلاق است و در موارد انحلال نکاح به جهت فوت یکی از زوجین یا فسخ نکاح، کاربردی ندارد. در نتیجه اگر زوج فوت شود زوجه نمی‌تواند درخواست اجرای شرط تنصیف دارایی کند.

از طرف دیگر این شرط صرفاً زمانی اجرا می‌شود که طلاق به درخواست زوج باشد. بنابراین اگر طلاق، توافقی یا به درخواست زوجه باشد، شرط تنصیف دارایی اجرا نمی‌شود.

شرط مذکور صرفاً زمانی اجرا می‌شود که خود زوج درخواست طلاق دهد. پس اگر زوج، اختیار طلاق را به زوجه داده باشد و زوجه به وکالت از زوج برای مطلقه کردن خود اقدام کرده باشد، موجبی برای اجرای شرط تنصیف دارایی نیست.

#### **سوم: طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءاخلاق و رفتار وی نباشد.**

اگر قبل از تشکیل پرونده طلاق به درخواست زوج، مواردی از قبیل نشوز (عدم تمکین) یا رابطه نامشروع زوجه، به موجب احکام جداگانه به اثبات رسیده باشد، زوجه از اجرای شرط تنصیف دارایی محروم می‌شود.

#### **۵- اموال مشمول شرط**

شرط تنصیف دارایی صرفاً نسبت به اموالی اعمال می‌شود که

**نخست: در ایام زندگی زناشویی زوجین به دست آمده باشد.**

بنابراین اموالی که زوج قبل از ازدواج داشته است نمی‌تواند موضوع اجرای شرط تنصیف دارایی قرار گیرد.

**دوم: در هنگام طلاق موجود باشد.**

بنابراین اگر زوج در زمان زندگی مشترک اموالی به دست آورده باشد اما قبل از درخواست طلاق آن اموال از مالکیت او خارج شده باشد، شرط تنصیف نسبت به آن اموال اجرا نمی‌شود.

**۶- نحوه درخواست و اقدام زوجه**

گفته شد که اجرای شرط تنصیف دارایی صرفاً در پرونده طلاق به درخواست زوج متصور است. بنابراین زوجه نمی‌تواند مستقلاً پرونده‌ای برای اجرای شرط مذکور تشکیل دهد. نحوه اقدام زوجه به این نحو است که پس از تشکیل پرونده طلاق از ناحیه زوج، زوجه که در این پرونده خوانده است درخواست اجرای شرط تنصیف دارایی می‌کند و اموال زوج را برای اجرای شرط، شناسایی و به دادگاه معرفی می‌کند. از این نظر، نحوه اقدام زوجه یا وکیل وی دقیقاً مانند نحوه اقدام در پرونده اعسار از پرداخت مهریه است.

**۷- اقدام دادگاه**

در صورت تشکیل پرونده طلاق از ناحیه زوج و درخواست اجرای شرط تنصیف دارایی از ناحیه زوجه، دادگاه تحقیقات لازم را جهت شناسایی اموال زوج انجام می‌دهد. تحقیقات دادگاه در زمینه شناسایی اموال زوج در این پرونده مانند تحقیقات پرونده اعسار است. بنابراین دادگاه می‌تواند و باید از طریق تحقیق از زوجین، انجام استعلاماتی مانند استعلام بانکی، ثبت اسناد و املاک، راهنمایی و رانندگی و...، ارجاع موضوع به کارشناس رسمی دادگستری و دستور انجام تحقیقات محلی، اموال و دارایی زوج را شناسایی و ارزیابی کند. اگر زوج قبل از تشکیل پرونده طلاق، اموالی مثل خودرو یا ملک را از محدوده مالکیت رسمی خود خارج کرده باشد، دادگاه باید در خصوص واقعی یا صوری بودن انتقال تحقیق کند. مشخص است که انتقال صوری، باطل و فاقد اثر حقوقی است. در صورت احراز انتقال واقعی اموال نیز، معادل حاصل از انتقال اموال که وارد دارایی زوج شده است، موضوع اجرای شرط قرار می‌گیرد.

**۸- اختیارات دادگاه**

در صورت وجود شرایط و شناسایی اموال، دادگاه در خصوص نحوه اجرای شرط تنصیف دارایی از دو جهت دارای اختیار است:



### نخست: تعیین درصد اموال

دادگاه می‌تواند زوج را مکلف به اجرای شرط تنصیف دارایی بین یک تا ۵۰ درصد اموال کند. معیارهای دادگاه برای تعیین درصد مناسب برای اجرای شرط، مواردی از قبیل زیر است:

- سنوات زندگی مشترک: مشخص است که هرچه سال‌های زندگی مشترک کوتاه‌تر باشد، درصد تعیینی دادگاه کمتر و هرچه سال‌های زندگی مشترک بیشتر باشد درصد تعیینی دادگاه بیشتر است.
- نقش زوجه در تحصیل اموال: مشخص است که نقش بیشتر زوجه در زندگی مشترک و تحصیل اموال، به معنای تعیین درصد بیشتر از اموال زوج برای اجرای شرط است. مثلاً اگر عمده اموال زوج از طریق ارث تحصیل شده باشد، از آنجایی که زوجه نقشی در مالکیت زوج نداشته است دادگاه درصد کمتری را برای اجرای شرط تنصیف در نظر می‌گیرد.

### دوم: تعیین عین یا معادل اموال

دادگاه می‌تواند خود اموال یا معادل پولی اموال را موضوع اجرای شرط قرار دهد. تعیین عین اموال در مصادیقی مثل منزل و شرکت کاربرد بیشتری دارد. در حالی که تعیین معادل پولی در مصادیقی مثل خودرو و وسایل منزل کاربرد دارد.

### ۹- شرط تنصیف و مستثنیات دین

از آنجایی که شرط تنصیف دارایی ناظر بر «دارایی موجود» زوج است، لذا بحث مستثنیات «دین» در اجرای شرط تنصیف دارایی مطرح نمی‌شود. در حقیقت اگر زوج اموالی داشته باشد، همان اموال موضوع اجرای شرط تنصیف قرار می‌گیرند و اگر زوج اموالی نداشته باشد، چیزی به عنوان «دین» از جهت اجرای شرط تنصیف بر عهده زوج قرار نمی‌گیرد تا نوبت به مسئله مستثنیات «دین» برسد.

### ۱۰- شرط تنصیف و اعسار

زوج علی‌القاعده می‌تواند از پرداخت حقوق مالی زوجه ادعای اعسار کند اگرچه خود زوج متقاضی و تشکیل‌دهنده پرونده طلاق بوده باشد. در حقیقت به موجب ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده «طلاق در صورت... صدور حکم قطعی دایر بر اعسار زوج... نیز ثبت می‌شود». ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرائی قانون حمایت خانواده نیز مؤید این برداشت است. با این حال باید توجه داشت که «شرط تنصیف دارایی» نمی‌تواند موضوع پرونده اعسار باشد. دلیل آن نیز مشخص است؛ ادعای اعسار، ادعای ناتوانی

از پرداخت «دیون» از قبیل مهریه و نفقه و اجرت‌المثل است. حال آنکه شرط تنصیف دارایی نسبت به «دارایی موجود» زوج اجرا می‌شود و اساساً «دین» نیست تا موضوع دعوی اعسار قرار گیرد.

### ۱۱- شرط تنصیف و اجرت‌المثل/نحله

تا پیش از رأی وحدت رویه شماره ۷۷۹ - ۱۳۹۸/۵/۱۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، در خصوص امکان جمع بین شرط تنصیف دارایی و اجرت‌المثل (یا نحله بدل از آن) بین دادگاه‌ها اختلاف رویه وجود داشت؛ به گونه‌ای که برخی از شعب، وجود شرط تنصیف دارایی را مانع استحقاق اجرت‌المثل (و نحله) می‌دانستند و برخی شعب این دو حق مالی را قابل جمع می‌دانستند. به موجب رأی وحدت رویه مذکور «جمع شرط تنصیف دارایی که ضمن عقد نکاح مقرر شده با اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته توسط زوجه موضوع تبصره الحاقی به ماده ۳۳۶ قانون مدنی (یا نحله بدل از آن) تنافی و تعارض ندارد، بنابراین تعیین اجرت‌المثل کارهای زوجه از سوی دادگاه او را از حقوق استحقاقی ناشی از شرط تنصیف دارایی محروم نمی‌کند و در چنین مواردی دادگاه باید علاوه بر تعیین اجرت‌المثل کارهایی که زوجه انجام داده، نسبت به حقوق او ناشی از آن شرط نیز رسیدگی و تعیین تکلیف کند».

### ۱۲- نحوه پرداخت و ضمانت اجرای عدم پرداخت

از آنجایی که شرط تنصیف دارایی نمی‌تواند مستقلاً موضوع دادخواست و حکم قرار گیرد، بلکه صرفاً در پرونده طلاق به درخواست زوج و به عنوان یکی از حقوق مالی زوجه قابل مطالبه است، بنابراین چنانچه پیرو دادخواست طلاق از ناحیه زوج و درخواست زوجه، گواهی عدم امکان سازش به درخواست زوج صادر و اجرا و ثبت صیغه طلاق منوط به پرداخت حقوق مالی زوجه از جمله اجرای شرط تنصیف دارایی شود، زوج می‌تواند ظرف سه ماه از تاریخ صدور دادنامه قطعی (یا قطعیت دادنامه صادره) به دفترخانه طلاق مراجعه و ظرف سه ماه پس از آن، حقوق مالی زوجه را پرداخت و صیغه طلاق را ثبت کند.

در هر صورت در تمامی این مراحل، زوج اجباری به پرداخت حقوق مالی زوجه ندارد و زوجه نمی‌تواند زوج را اجبار به پرداخت حقوق مالی خود مندرج در گواهی عدم امکان سازش کند. ضمانت اجرای عدم پرداخت حقوق مالی زوجه در این مرحله صرفاً آن است که زوج نمی‌تواند صیغه طلاق را جاری و ثبت کند. در صورت انقضای مهلت‌های قانونی (سه ماه برای مراجعه به دفتر طلاق و سه ماه برای ثبت صیغه طلاق) با در نظر گرفتن ماده ۲۰ آیین نامه قانون حمایت خانواده) و عدم